

تأملی بر بزه‌دیدگی جرایم جنسی، در حوزه‌ی محارم

ملیکا زارعی^۱

چکیده:

در میان انواع جرایم جنسی که آسیب‌های متعدد و غیرقابل جبرانی در پی دارند، آن دسته از جرایم جنسی که نسبت به محارم روی می‌دهند، به دلایل متعددی همچون تحقق بزه در حریم امن خانواده، حائز اهمیت بیشتری می‌باشند. اگرچه متأسفانه مشکلات فراوانی نظیر تابو بودن، غیرمشهود بودن و سکوت بزه‌دیدگان، امکان تحلیل و تبیین این موضوع خطیر را به حداقل می‌رسانند. این نوشتار درصدد است با نگاهی آسیب‌شناسانه، مؤلفه‌هایی را که بسترساز تحقق این جرایم هستند، یا عواملی که امکان تداوم و تکرار رفتار مجرمانه جنسی را نسبت به بزه‌دیدگان ایجاد می‌کنند، شناسایی نموده تا در جهت تحدید و حذف زمینه‌های تکوین چنین جرایمی اثربخش باشد. لذا نگارنده، با بهره‌گیری از رهیافت‌های علوم جنایی، به واکاوی بسترهای زیستی، روانی و شخصیتی بزه‌دیدگان جرایم جنسی در حوزه‌ی محارم پرداخته تا از این گذار، صرف نظر از انگ‌زنی‌های مجرمانه و سزادهی‌های سرکوب‌گرایانه، زمینه‌هایی برای کشف به موقع و پیشگیری از تکوین بزه‌دیدگی جنسی در حوزه‌ی محارم فراهم گردد.

کلید واژگان: بزه‌دیدگان، جرایم جنسی، محارم، آسیب‌شناسی

مقدمه

جرایم جنسی به خودی خود در هر مقطع و به هر میزانی که روی دهند، به لحاظ آسیب‌های شدید و غیرقابل بازگشتی که بر جای می‌گذارند، به مراتب بیشتر از سایر جرایم علیه اشخاص شایان توجه هستند. اما دامنه این آسیب‌ها زمانی بیشتر می‌شود که این جرایم در حریم خانواده و در میان افرادی که هم‌خون و به بیان دیگر، محرم هم می‌باشند روی دهند. اعمالی نابه‌نجار، که غالباً با سکوت مصلحت‌اندیشانه یا از روی ترس و ناآگاهی بزه‌دیدگان همراهند و در اکثر اوقات کشف نشده باقی می‌مانند. موارد نادری نیز که به افشاگری می‌انجامند راه سختی را برای اثبات پیش رو دارند؛ چرا که غالباً اذهان عمومی بر این گمانند که کانون گرم خانواده، پناهی ایمن برای آسیب‌های بیرون از چهارچوب خانه است، درحالی‌که متأسفانه بسیاری از اوقات، خانه و خانواده به جای اینکه بهشتی امن باشند، کانونی برای آزار، ترس و اجحاف زنان هستند.^۲ «تحقیقات نشان می‌دهند خطر حمله جدی از سوی اعضای خانواده، دو برابر بیگانگان است»^۳. علی‌رغم آن‌که در سالهای اخیر هیچ آماري در ارتباط با جرایم جنسی نسبت به محارم در کشور منتشر نشده، اما پرونده‌هایی در خصوص رابطه جنسی پدر با دختر و همچنین خواهر با برادر تشکیل شده‌اند، که تنها نمونه‌هایی از آسیب‌های جنسی متعددی هستند که در کشور وجود دارند و به دلایل گوناگون مانند اعتقادات، باورها و هنجارهای ملی و مذهبی، گزارش داده نمی‌شوند. لذا زنگ خطر تکوین این جرایم، هرگز به صدا در نمی‌آید و گهگاه پرونده‌هایی با ردپایی از فساد جنسی، تعرض، تجاوز و خشونت‌های محارم مطرح گردیده که در خفا رسیدگی شده و در بیشتر اوقات با رضایت شاکي، انصراف او از ادامه دادرسی یا عدم اثبات بزه مزبور، مختومه می‌گردند. جرایم جنسی در حوزه‌ی محارم، می‌توانند در انحاء مختلف روی دهند اما آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، نوعی

^۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

^۲. مالجو، محسن، تجاوز به محارم: زمینه‌ها، استراتژی‌های متجاوز و واکنش‌های بزه‌دیده، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۴، ۱۳۸۹، صفحه ۸۴.

^۳. Henting. A.b (1987). "The criminal and his victims". See Ais .California commission on the statuses of women. Domestic violence fact sheet 1948.

بزهکاری جنسی نسبت به فردی مؤنث است که متضمن هرگونه رفتار غیر اجتماعی، نامتعارف، غیرشرعی یا غیرقانونی جنسی اعم از لمس کردن بدن بزه‌دیده تا تجاوز و هتک حیثیت از او، بدون رضایت و با اعمال عنف علیه او می‌باشد^۱ و توسط فردی مذکر و محرم، صورت می‌گیرد. این سوء استفاده‌های جنسی عموماً به صورت مکرر در طول زمان ارتکاب می‌یابند و بزه‌دیده‌ی چنین جرایمی، به علل گوناگونی چون احساس نیاز، علاقه یا ترس از بزهکار، نگرانی از مجازات یا حفظ آبرو، سکوت می‌کند. اگرچه در غالب موارد اطلاع دادن به اعضای خانواده نیز به گزارش‌دهی، اعلام جرم و مجازات بزهکار نمی‌انجامد و ترس از بی‌آبرویی دوسویه، به سکوتی پایا منجر شده و نهایتاً بحران پیش آمده در داخل خانواده حل و فصل می‌گردد.

اهمیت بازشناسی مفاهیم در گستره‌ی جرایم جنسی نسبت به محارم

به طور کلی با توجه به نگرش‌های گوناگون صاحب‌نظران علوم مختلف، تبیین رفتار جنسی متفاوت می‌باشد. زیست‌شناسان هر نوع رفتاری که احتمال ترکیب اسپرم و تخمک را افزایش دهد رفتار جنسی می‌دانند و دیدگاه آنان بر پایه نیروی تولید مثل استوار است. روان‌شناسان رفتاری را که برانگیختگی جنسی ایجاد کند یا احتمال رسیدن به اوج لذت جنسی را افزایش دهد، معادل رفتار جنسی دانسته‌اند^۲. به زعم حقوق دانان جرم جنسی دارای تعریف نسبی است و اقسام آن بنا بر دلایل مختلف، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. اما به طور کلی هر نوع عمل و رفتار جنسی مشتمل بر نوعی انحراف، که به طور گسترده موجب از هم پاشیدن نظم جامعه و ورود ضرر و زیان به افراد (اعم از مادی و معنوی) شده و نیازمند برخورد قانونی قانونگذار باشد، در زمره انواع جرایم جنسی قرار دارد^۳ و مقصود از «جرایم جنسی»^۴ معنای عامی است که «ارتباطات جنسی طبیعی یا غیرطبیعی مانند زنا، لواط، همجنس‌بازی، جریحه‌دار کردن حیای جنسی دیگری مانند بازی کردن با آلت جنسی او، تعرض به عفت و حیای دیگران مانند بیرون آوردن آلت تناسلی نزد آنان و حتی ارتکاب عمل جنسی مشروع در حضور دیگران را در بر می‌گیرد». هرچند دیدگاه اغلب نظریه پردازان و همچنین نوع مردم از بیان رفتار جنسی، اعمالی است که به مجامعت و آمیزش بیانجامد، اما گستره‌ی رفتارهای جنسی بسیار وسیع‌تر از این افعال می‌باشند. در واقع رفتار جنسی می‌تواند در برگزیده‌ی کلیه اعمالی باشد که به نوعی با امور شهوانی سروکار دارند. به تعبیر دیگر باید گفت که رفتار جنسی فعلی مثبت و ایجابی است که از نظر ارتکاب می‌تواند هرگونه تعرض جسمی یا جنسی را که ناشی از شهوت است مانند تقبیل، مضامعه، ملامسه و... را شامل شود. به علاوه این افعال می‌توانند با تماس فیزیکی همراه باشند یا بدون ارتباط جسمی از طرق دیگری مانند عکسبرداری یا فیلمبرداری و... واقع شوند. از این رو در خصوص جرایم جنسی نسبت به محارم به دلیل محرمانه بودن که زمینه‌ساز ارتباطی صمیمانه‌تر و نزدیکتر است، مرز تشخیص اعمال جنسی بسیار باریک خواهد شد.

مقایسه جرایم جنسی نسبت به محارم با جرایم جنسی نسبت به غیر محارم

اگرچه جرایم جنسی نسبت به محارم با جرایم جنسی نسبت به غیر محارم، با اعمال و نتایج نسبتاً مشابهی محقق می‌شوند، و وجه تسمیه رفتار جنسی در هر دو گروه از جرایم مذکور، اقدامهای متعرضانه برای ارضاء جنسی است که از طرق مختلف مانند عنف، اکراه و یا رضایت بزه‌دیده (با اغفال و فریب) واقع می‌گردند؛ اما هر دو نوع این جرایم، از ابتدا تا انتها و حتی در مسائل مربوط به درمان و اعمال حمایت، تفاوت‌های جالب توجهی دارند که نمی‌توان به راحتی از آن‌ها چشم پوشی کرد. به

۱. کجباف، محمد باقر، روان‌شناسی رفتار جنسی در اندیشه دینی، چاپ اول، تهران، نشر روان، ۱۳۸۷، ص ۴۱-۶۰.
۲. هر چند این تعریف، نسبت به تعریف زیست‌شناسان کامل‌تر به نظر می‌رسد؛ اما لازم به ذکر است که رفتارهای جنسی همواره برای رسیدن به اوج لذت جنسی نیستند و هر رفتاری که با هدف ارضای شهوت انجام شود، می‌تواند در زمره رفتارهای جنسی به شمار بیاید. خواه این رفتارها طرفینی باشد خواه یکسویه و به جهت خود ارضایی. خواه احتمال باروری داشته باشد خواه بحث تولید مثل و لقاح منتفی باشد. خواه مشروع باشد و خواه نامشروع و خواه با رضایت انجام گیرد یا به عنف.
۳. باوندپور، علیرضا، تأثیر عوامل روانشناختی در ارتکاب جرایم جنسی و تعیین واکنش نسبت به این جرایم، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق، ۱۳۹۰، ص ۸.

نوعی می‌توان گفت که درک تمایز میان این دو مقوله‌ی نسبتاً یکسان، سنگ‌بنای شناخت و حمایت از بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم است و تحلیل و مذاقه در آن می‌تواند در نوع نگرش محاکم تأثیرگذار باشد. در راستای تبیین مشابهت‌های این جرایم می‌توان به بزه‌دیدگان و ویژگی‌های مشابهی مانند نشانه‌های آسیب‌پذیری و ضعف‌های شخصیتی اشاره کرد، ضمن آنکه احتمال تحریک بزه‌کار توسط بزه‌دیده‌ی مقصر در هر دو گروه نیز وجود دارد. همچنین جرایم جنسی نسبت به محارم یا غیر محارم، با عارضه‌های روحی و جسمی شدیدی همراهند و می‌توانند ناقل بیماری‌های خطرناک نیز باشند. غالباً مجرمین در هر دو گروه به ناهنجاری‌های روحی مبتلا هستند و رفتارهای جنسی متعرضانه‌ی خود را با هدف تخلیه هیجانات روحی و کسب احساس قدرت و برتری مردانه‌ی خود انجام می‌دهند. هرچند این امر در خصوص جرایم جنسی نسبت به محارم با ساختاری متفاوت واقع می‌گردد، اما به طور کلی تکوین رفتارهای جنسی، با استراتژی‌های مختلف و منشأ نسبتاً واحدی صورت می‌گیرند و عموماً از احساساتی چون حقارت درونی بزه‌کار ناشی می‌شوند.

اما در بیان تفاوت‌های جرایم جنسی در حوزه‌ی محارم و غیر محارم، باید گفت که در جرایم جنسی نسبت به غیر محارم، بزه‌دیدگان می‌توانند ویژگی‌های متفاوتی داشته باشند و در واقع آن‌چه برای بزه‌کار اهمیت دارد، ارضاء امیال جنسی و هیجانات شهوانی خود است که آن را به هر طریقی نسبت به هر شخصی که در دسترسش باشد واقع می‌سازد و در نهایت یا از صحنه‌ی جرم می‌گریزد یا به حذف بزه‌دیده مبادرت می‌کند، اما در جرایم جنسی نسبت به محارم، بی‌تردید بزه‌دیده دارای نقاط ضعفی می‌باشد که بزه‌کار محاسبه‌گر او را آماج جرم خود قرار داده است و از آنجائیکه از عدم افشاء جرم توسط بزه‌دیده و امکان ادامه این روند مجرمانه اطمینان خاطر دارد، چنین رفتاری را در حریم خانواده و نسبت به فرد یا افراد محرم انجام داده است. در جرایم جنسی نسبت به محارم، بزه‌دیده جرم در اکثر موارد، موضع پایین‌تری نسبت به بزه‌کار قرار دارد و بزه‌کار نیز به این ضعف واقف است. لذا غالباً این عمل جنسی، نسبت به بزه‌دیده واحد به کرات صورت می‌گیرد، در حالیکه در تجاوز به غیر محارم بزه‌دیده می‌تواند در موقعیتی همسطح با بزه‌کار باشد و همچنین به ندرت پیش می‌آید که بزه‌دیده واحد مورد تجاوز مکرر توسط همان بزه‌کار واقع شود. جرایم جنسی با محارم از الگوهای اغواگرانه‌ی احساسی و عاطفی تبعیت بیشتری دارند و همین امر می‌تواند به پذیرش جرم توسط بزه‌دیده و همکاری او با مجرم بیانجامد، در حالیکه در تجاوز بیگانگان سوءاستفاده از احساسات بزه‌دیده و فریب او، نمی‌تواند در دفعات متعدد انجام شود و بعد از اولین فریب عاطفی و انجام عمل جنسی توسط بزه‌کار، دفعات بعدی غالباً با تهدید به افشاء و سوءاستفاده از نگرانی بزه‌دیده در مورد حفظ آبروی او همراه است. اگرچه در هر دو قسم از این جرایم با سکوت بزه‌دیدگان، بیشتر از اعلام جرم یا استمدادطلبی مواجه هستیم، اما در نهایت احتمال افشاء بزه از جانب بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به غیر محارم، بیشتر از احتمال شکستن مهر سکوت بزه‌دیدگانی است که مورد تعرض محارم خویش قرار گرفته‌اند. هرچند بزه‌دیدگان در انحاء جرایم جنسی با احساس ناباوری مواجه‌اند، اما یکه خوردن بزه‌دیده در مواجهه با بزه‌کار محرمی که آشنایی و پیوند خانوادگی نزدیک با او دارد، یا حامی او می‌باشد، صد چندان است، چرا که همواره احتمال وقوع هر خطری خارج از فضای امن خانه، بسیار بیشتر از تجربه بزه‌دیدگی نسبت به افراد هم خون و در حریم خانواده است و این امر به طور ضمنی در ضمیر ناخودآگاه افراد تثبیت شده است که خانه مأمنی برای در پناه ماندن از گزندها و تعرضهای جنسی می‌باشد. لذا بی‌تردید آثار منفی به جا مانده برای بزه‌دیدگان اولیه و ثانویه در جرایم جنسی نسبت به محارم، بسیار شدیدتر از نتایجی خواهد بود که بزه‌دیدگان در جرایم جنسی با بیگانگان متحمل خواهند شد. به علاوه با اینکه جرایم جنسی نسبت به محارم نیز می‌توانند مانند جرایم جنسی بیگانگان با خشونت‌های جسمی همراه باشند اما شایان ذکر است که به دلیل پایایی و استمرار چنین جرایمی در حوزه‌ی محارم، میزان واکنش‌های بزه‌دیده نسبت به مقابله، مقاومت، دفع تنبیه‌ها و شکنجه‌های جسمی کاهش قابل توجهی یافته و یک آسیب دفعتاً و واحد، به تدریج به سبک زندگی بزه‌دیده تبدیل شده و جزئی از روزمرگی‌های بزه‌دیده خواهد شد.

در واقع از آنجایی که این بزه در انواع اشکال آن، توسط نزدیکترین افراد در یک خانواده صورت می‌گیرد با دو معضل اساسی روبروست؛ اول اینکه اگرچه این درجه از قربت می‌تواند در بزه‌دیده احساس ناخوشایندی به وجود آورد، اما به دلیل علقه و احساس نزدیکی و آشنایی که بزه‌دیده با بزهکار دارد (خصوصاً در مواردی که بزه‌دیده کم سن و سال است، منتج به عدم درک صحیح از قبح رفتار ارتكابی شده و حتی ممکن است به پذیرش انجام این بزه و همراهی با بزهکار منجر شود که این اتفاق تشخیص مرز باریکی که میان رضایت ناشی از اکراه و یا رضایت فی ذاته رضایت است، بسیار سخت می‌کند. دیگر اینکه به دلیل غلبه احساس اعتماد و محرمیت در میان افراد یک خانواده، بزه‌دیدگانی که تحت فشار، و نه فریب و اغوا تن به این عمل می‌دهند، با مشکلات فراوانی از منظر اثبات جرم، روبرو خواهند بود.

تبیین جرایم جنسی از منظر بزه دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم

از آنجایی که بزهکاران (با ویژگی‌های متفاوتی که دارند)، به انتخاب گزینه‌های متمایزی برای وقوع جرم مبادرت می‌کنند، شناخت گونه‌های بزه‌دیدگان و تأثیرات آن‌ها در وقوع جرم، دارای اهمیت بسزایی می‌باشد. رویکردی که هر بزهکار در اعمال مجرمانه خود دارد، با توجه به شرایط پیش جنایی، زمینه‌های وقوع جرم و ویژگی‌های بزه‌دیدگان متفاوت خواهد بود. لذا درک صحیح نسبت به جرایم جنسی در حوزه‌ی محارم، از منظر شناخت بزه‌دیدگان این جرایم، می‌تواند به آسیب‌شناسی کارآمدتری منجر شود و نهایتاً کیفرها و راهکارهای پیشگیرانه‌ی مطلوبتری را (اعم از تدابیر پیشگیرانه‌ی واکنشی و کنشی) در راستای پیشگیری از وقوع جرم، ارائه نماید. در واقع بزه‌دیده جرم جنسی به عنوان ضلعی از مثلث پدیده مجرمانه، دارای نقش بسزایی در ایجاد وضعیت پیش‌جنایی است که چنانچه این نقش تعدیل شود اساساً جرمی به منصف ظهور نخواهد رسید.

عوامل متعددی در بزه‌دیدگی جنسی دختران و زنان مؤثر هستند که رفتارها و گفتارهای تحریک‌آمیز مانند حضور در مکان‌های خلوت یا پوشش نامناسب می‌توانند از جمله آنها باشند. هرچند در خصوص بزه‌دیدگانی که توسط محارم مورد تعرض قرار می‌گیرند، سبک زندگی و برخوردهای روزمره نیز از جمله مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند در ایجاد کشش بزهکار نسبت به بزه‌دیده مؤثر باشند. در این‌گونه موارد به لحاظ عدم پیش‌بینی وقوع چنین جرایمی که منبث از محرمیت میان افراد یک خانواده می‌باشد، اقدامات احتیاطی و محافظانه‌ی کمتری صورت می‌گیرد. به علاوه تجاوز بزهکاران و ورود به عنف آنها در خصوصی‌ترین حریم افراد، آن‌هم در حوزه‌ای که اعتماد رکن اصلی روابط بین بزهکار و بزه‌دیده است، عموماً غیرقابل تصور و دور از انتظار است. لذا چنانچه بزه‌دیدگان در معرض خطر شناسایی شوند، می‌توان با راهکارهای پیشگیرانه از آسیبهای احتمالی بعدی جلوگیری کرد و از نقش احتمالی آنها در وقوع چنین جرایمی کاست. هرچند نمونه‌هایی نیز وجود دارند که بزه‌دیدگان خصیصه منحصر بفرد یا نقش مؤثری در تکوین جرایم جنسی از سوی محارمشان ندارند؛ لیکن در اکثر اوقات، ویژگی‌های خاص بزه‌دیدگان، به تحقق جرایم جنسی علیه آنان دامن می‌زنند. به این خاطر می‌توان گفت که تکوین چنین جرایمی بر بزه‌دیدگان تا حدود زیادی متأثر از خصایص آن‌هاست که تأثیر بسزایی در گزینش توسط بزهکار و بزهکاری جنسی محارم می‌گذارد. صرف نظر از اینکه احتمال وقوع بزه جنسی در حریم محارم، بر بزه‌دیدگانی عاری از ویژگی‌های خاص نیز وجود دارد که در این خصوص بایستی به سایر عوامل منتج به بزه‌دیدگی توجه کرد.

انواع بزه دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم

به طور کلی بزه‌دیدگان در کلیه جرایم با توجه به شاخصه‌هایی چون سن، جنسیت، میزان و شدت آسیب‌پذیری، وجود تقصیر و یا عدم آن، نوع ارتباط با جرم و تجربه کردن بزه‌دیدگی، در دسته بندی‌های مختلفی جای گرفته‌اند و هر کدام از این تقسیم‌بندی‌ها با توجه به شرایط بزه‌دیده، بزهکار و همچنین ویژگی‌های خاص جرایم، قابل تأمل و بررسی می‌باشند. به عنوان نمونه می‌توان بر اساس نوع تجربه ای که بزه‌دیده نسبت به بزه واقع شده دارد، او را به بزه‌دیده / اولیه یا مستقیم و بزه‌دیده

ثانویه یا غیرمستقیم تقسیم کرد. بزه‌دیده‌ی اولیه^۱ در این بحث، مشخصاً به شخصی اطلاق می‌گردد که جرم جنسی توسط فرد محرم، بر روی او واقع می‌گردد. در جرایم جنسی در حوزه‌ی محارم، بزه‌دیدگان مستقیم اغلب کودکان و دختران هستند.^۲ بزه‌دیده‌ی ثانویه^۳ یا غیرمستقیم نیز خانواده، بستگان یا حتی اشخاصی را شامل می‌شود که در جریان روند بزه‌دیدگی دچار آسیب شده‌اند^۴ و در واقع جرم را مستقیماً تجربه نکرده‌اند، بلکه غیرمستقیم و به واسطه وقوع جرم نسبت به دیگری، بزه‌دیده شده‌اند. همسر فرد متجاوز، خواهران یا برادران بزه‌دیده و به طور کلی افرادی که به لحاظ نزدیکی نسبی و پیوند خانوادگی با بزه‌دیده، به گونه‌ای غیرمستقیم متحمل درد و رنج شده‌اند.^۵ در جرایم جنسی نسبت به محارم، (به لحاظ ساختار و وضعیت این نوع از بزهکاری که در حریم خانواده روی می‌دهند) اطلاع یافتن بزه‌دیدگان همبسته یا غیرمستقیم و رنج و انزجاری که در نتیجه آن متحمل می‌شوند، انکارناپذیر خواهد بود. این افراد در مواردی به جهت خاتمه دادن به وقوع بزه، یا برای رهایی از درد و رنجی که به لحاظ ایجاد چنین وضعیت نامتعرفی بر آنان تحمیل گردیده است، اقدام به افشاء بزه و اعلام جرم می‌کنند. البته چنانچه این افراد با وجود اطلاع از وقوع جرم نسبت به اعلام آن سکوت کنند، این احتمال وجود دارد که به عنوان معاونت در تسهیل جرم مورد تعقیب قرار گیرند، اگرچه چنین تعقیبی در اکثر موارد به تبریئه آن‌ها منجر خواهد شد.^۶ هرچند مسلم است که بزه‌دیدگان ثانویه در جرایم جنسی نسبت به محارم، از آنجائی‌که هر دو طرف پدیده‌ی مجرمانه از هم‌خونان آن‌ها هستند و لذا نه تداوم وضع موجود و نه توقف روند بزهکاری که با مجازات بزهکار (یا حتی بزه‌دیده) همراه است، مطلوب آن‌ها نمی‌باشد، در تعارضی سخت گرفتار هستند و به راحتی نمی‌توانند در مقام دفاع از بزه‌دیده و اقدام برای مجازات بزهکار برآیند.

در تقسیمی دیگر می‌توان بزه‌دیدگان را بر اساس میزان تقصیرشان در بزه‌دیدگی، به بزه‌دیدگان ایده‌آل^۷ یا سرزنش‌ناپذیر و بزه‌دیدگان مقصر^۸ یا قابل سرزنش تقسیم کرد. بزه‌دیده ایده‌آل، بزه‌دیده‌ای است که هیچ‌گونه نقشی را در آماج جرم قرار گرفتن از سوی مرتکب ایفا نمی‌نماید^۹ و به بیان بهتر بزه‌دیده واقع شدن وی صرفاً نتیجه شرایط و اوضاع و احوال خاص می‌باشد.^{۱۰} در جرایم جنسی واقع شده در حریم خانواده و در میان محارم، (خصوصاً در فروزی که بزه‌دیده نابالغ است) غالب بزه‌دیدگان ایده‌آل یا بیگناه هستند و نقشی برای تحریک بزهکار ایفا نمی‌کنند. بزه دیده مقصر یا قابل سرزنش نیز فردی است که یا از طریق تحریک بزهکار، او را وادار به وقوع جرم می‌نماید، یا به نحوی در روند بزه‌دیدگی خود شرکت دارد و یا به انجام آن بزه

1. Direct/Primary victim

۲. مواردی نیز پسران مورد خشونت‌های جنسی و تعرض واقع می‌شوند که از این پژوهش خروج موضوعی دارند.

3. Indirect/Secondary victim

۴. سفرچی تیل، زین العابدین، مطالعه قربانی شناختی قتل‌های سریالی پایتخت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۷، ص ۲۰.

۵. عباچی، مریم، رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴.

۶. در پرونده‌ای که در سال ۱۳۷۱ مورد رسیدگی و صدور حکم واقع گردید، پدربنی به مدت پنج سال با دخترش زنا می‌کرده و حتی خواهران متهمه نیز چند بار این عمل را مشاهده کرده بودند. از روابط آنها سه فرزند نامشروع هم حاصل شد که پدر دو فرزند را به دست خود خفه کرد و یک فرزند دیگر نزد همسر مرد (مادر متهمه) نگهداری می‌شد. متهمه بنا به اظهارات خواهرانش یکبار نیز با برادرش همخوابگی داشت. در نهایت دادگاه پدر و دختر را به دلیل علم به زنا در طول چندین سال، به اعدام محکوم کرد و اعتراض نسبت به حکم را بلاوجه دانست. به علاوه در خصوص سایر افراد خانواده که به اتهام معاونت و مخفی کردن ادله جرم تحت تعقیب قرار گرفته بودند، برانت صادر شد. ن.ک: بازگیر، پدال، قانون مجازات اسلامی در آینه آرا دیوان عالی کشور، حدود؛ جرایم خلاف اخلاق حسنه؛ تهران، نشر هستان؛ چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰، رأی شماره ۳۸.

7. Blameless/Innocent victim

8. Culpable/Guilty/Blameworthy victim

9. Zaibert, Leo, The ideal victim, Journal of school violence, vol .20, Canadian, 2008, PP : 87-89.

۱۰. حاجی تبار فیروزجائی، حسن، دلایل توجیهی حمایت افتراقی از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر در پرتو آموزه‌های علوم جنایی (با نگاهی به قوانین موضوعه ایران)، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۲.

رضایت دارد^۱ که چنین بزه‌دیدگانی به دلیل رفتارهای خطرپذیرانه یا کوتاهی در حفاظت و مراقبت خود کمتر شایسته همدردی هستند^۲. حال اینکه تا چه میزان می‌توان بر تقصیر بزه‌دیده‌ای که توسط محارم خود مورد آزار جنسی قرار می‌گیرد تأکید کرد و او را مورد شمانت و به بیانی دیگر عدم حمایت قرار داد، خود موضوع قابل تأملی است که مرز میان بزه‌دیده بودن و یا بزه‌کار دانستن او به شمار می‌آید.

به هر روی در فرض وجود تقصیر، می‌توان بزه‌دیدگان مقصر را به دو گونه‌ی بزه‌دیده با تقصیر فعال و بزه‌دیده با تقصیر منفعل، تقسیم بندی کرد: بزه‌دیدگان با تقصیر فعال طیفی از بزه‌دیدگان هستند که با ارتکاب برخی اعمال، محرک و ترغیب کننده مجرم جهت ارتکاب جرم علیه خود می‌باشند و یا اینکه آگاهانه یا ناآگاهانه تسهیلاتی برای ارتکاب جرایم جنسی فراهم می‌کنند، مانند رفتار، گفتار، پوشش تحریک آمیز و یا حضور در مکانهای خلوت و یا تنها ماندن با بزه‌کار که احتمال بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد. همچنین حالات خاص بدنی و یا بی‌حفاظ بودن که در وقوع جرایم جنسی علیه زنان و دختران بسیار مؤثر می‌باشد^۳. اما بزه‌دیدگان با تقصیر منفعل متضمن آن طیف از بزه‌دیدگانی می‌باشد که از روی سهل‌انگاری یا ناآگاهی رفتارهایی را انجام می‌دهند که مهاجم جهت ارتکاب جرم علیه آنان تحریک می‌شود. بدین معنا که بزه‌دیده در فرایند ارتکاب جرم به طور مستقیم دخالت ندارد، بلکه تحت شرایط خاص و بدون آگاهی از این که عمل وی موجب تحریک دیگری می‌باشد نظر مرتکب را به سوی خود جلب می‌نماید^۴؛ مانند جایی که بزه‌دیده با پوششی نامناسب، در دسترس بزه‌کاری قرار گیرد که زمینه ارتکاب جرایم جنسی را داشته و یا در حالت مستی به سر می‌برد.

مفروض گرفتن تقصیر برای بزه‌دیده و خارج دانستن او از عنوان بزه‌دیدگی ایده‌آل یا بدون تقصیر، (بلاخص در جرایم جنسی علیه محارم که همواره دور از اذهان بوده)، بسیار شایع می‌باشد. شاید این فرض، بهترین و کوتاهترین راه برای فرار از پذیرش چنین فجایعی، انکار آن‌ها یا تحمیل گناه بر دوش بزه‌دیدگان باشد. البته بیان انتقادی نگارنده نسبت به تئوری "مفروض دانستن تقصیر بزه‌دیده"، به معنای کتمان تأثیرگذاری بزه‌دیده در تکوین جرایم جنسی نیست، بلکه به جهت پذیرش نسبی عوامل و زمینه‌های مؤثری می‌باشد که می‌توانند چنین نوعی از بزه‌دیدگی را موجب شوند، یا وقوع آن را تسهیل نمایند. بدیهی است که در کشف چرایی تکوین جرایم جنسی نسبت به محارم، توجه به تمامی عوامل مؤثر در وقوع جرم ضروری بوده و این امر که پوششی نامتعارف یا صدایی محرک توانسته بزه‌کار را به انجام جرم جنسی نسبت به فرد محرم خود سوق دهد، بسیار سطحی‌نگرانه خواهد بود. به طور کلی از جمله مواردی که بر مبنای آن بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم، مورد سرزنش قرار می‌گیرند^۵ و از حمایت‌های احتمالی محروم می‌گردند عبارتند از جاذبه ظاهری^۶، همجواری^۷، دسترسی^۸، ریسک پذیری^۹ و قابلیت کنترل^{۱۰} که ذیلاً به آن‌ها خواهیم پرداخت.

الف- جاذبه ظاهری

۱. هاشمی، منصوره‌السادات، تحلیل جرم شناختی جرایم خشونت‌آمیز (بررسی موردی ضرب و جرح عمدی منتهی به قتل در استان تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۸، ص ۳۲.
۲. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴، ص ۸۷.
۳. سلیمی، علی؛ داوری، محمد، جامعه‌شناسی کجروی، مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸.
۴. سیگل، لاریجی، جرم‌شناسی، ترجمه باشارسیف الهی، چاپ اول، مرکز مطالعات کاربردی ناجا، ۱۳۸۵، صص ۱۴۴-۱۴۵.
۵. اسد سلطان، حمید، نقش و تاثیر بزه‌دیده در وقوع جرایم جنسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق، ۱۳۸۹، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

6. Attractive

7. Proximity

8. Accessibility

9. Risk

10. Manageability

از مواردی که در نخستین نگاه توجه آحاد مردم را به خود جلب کرده و آن را دلیلی بر قابلیت سرزنش بزه‌دیدگان در جرایم جنسی می‌دانند، موضوع پوشش و شکل ظاهری آنان است. به طور کلی نمی‌توان جاذب بودن را در خصوص جرایم جنسی که ارتباط مستقیم با فیزیولوژیک افراد دارد انکار کرد. در این قبیل جرایم که تکوین آن‌ها به تحریک شهوانی بزهکار وابسته است، مواردی مثل ظاهر بزه‌دیده، نوع پوشش او و حتی لحن صدایش می‌تواند زمینه‌ی تحریک آمیزی برای بزهکار ایجاد کند و جذابیت زدایی از زنان مانند حجاب و پوشش مناسب، میزان آسیب‌پذیری آنان در جرایم جنسی را کمتر خواهد کرد. اما این امر نباید منتج به جهت‌گیری‌هایی شود که بزه‌دیده‌ی دارای جذابیت‌های جسمانی و زیبایی‌های بصری را با انگ زنی مواجه نموده و از انواع حمایت‌ها محروم گرداند. چه بسا مواردی که نه تنها در کانون خانواده که در اجتماع و محیط‌های عمومی، دختران و زنان با پوشش کامل و مناسب، مورد آزار جسمی و جنسی قرار گرفته‌اند و یا حتی به پسران که بحث پوشش به معنای اخص کلمه در مورد آنها مطرح نمی‌باشد دست‌درازی گردیده است. درست است که بدحجابی به عنوان یکی از جرایم مانع^۱ جرم انگاری گردیده است و در صدد پیشگیری از سایر جرایم، یعنی جرایمی که فرد را در آستانه‌ی جرایم اصلی قرار می‌دهند و خطر بالقوه آنان را افزایش می‌دهند^۲ برآمده است، اما در خصوص جرایم جنسی نسبت به محارم از آنجایی که اتفاقاً حفظ حجاب در مقابل مردان محرم منتفی است، این امر چندان محلی برای بحث ندارد. در واقع بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم، بیشتر از آنکه دارای ویژگی‌های ظاهری محرک باشند، به دلیل ویژگی‌های روانی و خصوصیات بالقوه‌ای مانند آسیب‌پذیری، احساس نیاز و ترس، بزهکاران را به ارتکاب جرم ترغیب می‌کنند.

ب- همجواری

ماهیت اغلب جرایم جنسی به گونه‌ای است که نیازمند نزدیک بودن و تماس فیزیکی با بزه‌دیده است. (به استثناء مواردی که اعمال جنسی در حوزه‌ی انحرافات با اعمالی چون صنم پرستی^۳، خودنمایی^۴، هرزه‌درایی^۵، چشم چرانی^۶، پدوفیلی^۷ و... روی می‌دهند). بنابراین می‌توان چنین بیان کرد که اگر بزه‌دیده احتمال وقوع هرگونه رفتار تعرض‌آمیز را حس کرد، باید خود را از آن موقعیت دور سازد تا مانعی هرچند موقتی در برابر آسیب‌ها و تجاوزهای احتمالی ایجاد کرده باشد و چنانچه برای نزدیک شدن بزهکار ممانعتی به عمل نیاورد، شایسته حمایت‌های بعدی در قبال جرایم احتمالی نیز نخواهد بود. اگرچه تقصیر ناشی از مجاورت فرد به موقعیتی که خطر ساز است غیرقابل انکار می‌باشد اما در مواردی نیز دیده می‌شود که استراتژی‌هایی که بزهکار برای نزدیک شدن به بزه‌دیده درپیش می‌گیرد رفتارهایی است که منجر به ایجاد بستر مجرمانه گریزناپذیری می‌گردد. مضافاً اینکه جرایم جنسی که در چهارچوب خانواده روی می‌دهند به صورت بالقوه، دارای مکانی امن برای تکوین است و به لحاظ ویژگی آپارتمانی این نوع از جرایم و رؤیت‌پذیری پایینی که دارند، امکان گریز بزه‌دیده و استمدادطلبی او بسیار مشکل می‌باشد. چه بسیار صدای درگیری‌ها و درخواست‌های کمک از سوی بزه‌دیدگان جرایم جنسی، برخاسته و با بی‌توجهی همسایگان مواجه گردیده یا اینکه اگر مداخله‌ای صورت گرفته، با تأکید بر وجود داشتن حریم خصوصی از سوی بزهکار مواجه و در نهایت امکان نجات یافتن از سلطه و تهاجم بزهکار منتفی گردیده است.

پ- دسترسی

1. Accessory Offences

۲. نجفی ابرنآبادی، علی حسین و دیگران، جرایم مانع (بازدارنده)، فصلنامه مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲۶.

3. Fetichisme

4. Exhibitionism

5. Scatologia

6. Voyeurism

7. Pedophilia

سهل الوصول بودن بزه‌دیده و دسترسی آسان به او، علاوه بر این که می‌تواند بزه‌دیده را آماج وقوع جرم قرار دهد، می‌تواند بزهکار را به سمت ارتکاب جرم ترغیب و تحریک کند. زمانی که بزهکار با کشش‌های جنسی خود درگیر است، چنانچه کسی را برای ارضاء امیال جنسی خود در دسترس داشته باشد، احتمال اینکه او را هدف تخلیه امیال طغیانگر خود قرار دهد، بسیار زیاد خواهد بود. تاریکی، فضای خلوت و عدم حضور سایرین در بستری مهیا چون خانه، می‌تواند وقوع جرم را تسهیل کند و بزهکار را به سمت جرایم جنسی بر بزه‌دیده سوق دهد. به تعبیری دیگر، اگرچه در دسترس بودن بزه‌دیده می‌تواند نوعی همکاری و یا عدم ایجاد مانع در برابر بزهکار به شمار آید و عاملی منتهی به تسهیل وقوع جرم گردد، اما باید در نظر داشت که گاه بزه‌دیده به لحاظ عدم درک صحیحی که نسبت به این جرایم دارد، با رفتار اغوا آمیز بزهکار خود را در دسترس او قرار داده و به نوعی با سکوت یا عدم مقاومت خود، واکنشی منفعلانه و تسلیمی (نه فعالانه و از روی رضایت) بروز می‌دهد.

ت- ریسک پذیری

در اکثر موارد بزهکار جرایم جنسی، در پی سرپوش گذاری و کتمان وقوع اعمال مجرمانه‌ای خویش است.^۱ در پی این امر، تلاش بزهکار برای طرح‌ریزی نسبت به تکوین جرم، با بررسی بیشتری همراه است و لذا گزینش بزه‌دیده، با توجه به عدم امکان کشف بزه و انتفاء احتمال اقرار بزه‌دیده صورت می‌گیرد. پیرو چنین محاسباتی، آماج بی‌دفاعی که امکان وقوع جرم بر آن‌ها آسانتر است و متضمن ریسک کمتری هستند، بیشتر از سایر بزه‌دیدگان مورد توجه قرار می‌گیرند. از این رو، هرچقدر امکان مقاومت در برابر بزهکار کمتر باشد، احتمال وقوع و تکرار بزه نیز بیشتر خواهد بود.

ث- قابلیت کنترل

جرایم جنسی در حوزه‌ی محارم بر پایه قابلیت تسلط و کنترل بر بزه‌دیده، واقع می‌گردند و *انگاره‌های مالکانه* یکی از مهمترین عوامل در تکوین این جرایم هستند. هرچند مقاومت بزه‌دیده (در این قسم از جرایم جنسی)، تا حدودی احتمال متوقف کردن بزهکار را در پی دارد، اما مشکل اصلی آن جاست که بزهکار چنین جرایمی، هوشمندانه آماجی را انتخاب می‌نماید که قابلیت کنترل آن‌ها را داشته باشد. به بیان بهتر با انتخاب عقلایی، بزه‌دیده‌ای را برمی‌گزیند که احتمال هرگونه مقاومت، مخالفت یا اعتراض در او منتفی باشد و چنانچه خطر افشای بزه توسط بزه‌دیده او را تهدید کند، بتواند با اعمال رفتار سلطه‌گرانه، از طریق تهدید، تنبیه، تطمیع یا حتی سوءاستفاده از احساسات بزه‌دیده و تظاهر به عشق، احتیاج و پشیمانی، او را تحت کنترل خود درآورد. ضمن آنکه موضوع کنترل‌پذیری از منظری دیگر، به میزان نفوذ بزهکار بر بزه‌دیده مرتبط است یعنی بزهکار می‌تواند با سوءاستفاده از موقعیت خود و به لحاظ برتری، اقتدار مردانه و با اعمال نفوذ معنوی، بزه‌دیده را آماج جرایم منظور قرار داده و او را وادار به تسلیم و فرمانبرداری کند.

استعداد بزه دیدگی تحت تأثیر شرایط خاص

برخی بزه‌دیدگان به طرق مختلف در وقوع بزه‌دیدگی و ارتکاب جرم علیه خویش ایفاء نقش می‌کنند. به طور کلی این افراد به دو روش زمینه‌های بزه‌دیده شدن خود را فراهم می‌آورند: نخست از طریق عواملی تحت عنوان *شرایط ویژه* مانند بزه‌دیدگی به دلیل نقصان عقلی، یا ضعف‌های جسمانی مانند نابینایی، کم بینایی یا آسیب‌پذیری ناشی از جنسیت که چنین شرایطی گاه در طول زمان استمرار دارند و گاه به مرور زمان تغییر ماهیت می‌دهد و از احتمال تأثیرگذاری آن‌ها بر بزه‌دیده واقع شدن افراد کاسته می‌شود؛ و دوم به واسطه‌ی عواملی که *استعداد ذاتی* برای بزه دیدگی در فرد ایجاد می‌کنند؛ که اصطلاحاً به شرایط منتج به آن *بزه‌دیدگی مادرزاد* گفته می‌شود:

الف- بزه‌دیدگی‌های منبعت از بسترهای زیستی

^۱ جز در مواردی که انحراف و ناهنجاری جزئی از طبیعت رفتارهای خانوادگی او بوده و امری هنجاری شمرده می‌شود.

عوامل زیستی مانند سن و جنسیت به طرق مختلف می‌توانند بزه‌دیدگان را مستعد بزه‌دیدگی نمایند. اگرچه در خصوص سن افرادی که مورد بزه‌دیدگی جنسی قرار می‌گیرند آماری در دست نیست، اما از آنجائی که در تجاوزات جنسی، برانگیختگی فیزیولوژیکی مردان بسیار شایان توجه است، با لحاظ این مؤلفه می‌توان امکان تجاوز به بزه‌دیده را در سنین مختلف مورد ارزیابی قرار داد. یک تحقیق خارجی نشان می‌دهد که میزان نعوذ آلت مردانی که به کودک خود تجاوز می‌کنند، در مقایسه با مردان نرمال که به افراد سنین ۱۴ تا ۲۴ ساله سطح بیشتری از تمایل را نشان می‌دهند، دارای سطح کمتری از کشش می‌باشد^۱ و هرچه سن کودکان کمتر باشد، میزان تحریک این بزهکاران نیز بیشتر می‌شود. این رفتارهای جنسی که تحت لوای ابراز توجه و محبت به کودکان به راحتی قابل تحقق‌اند، لزوم مذاقه در خصوص حمایت از کودکان بین سنین ۴ تا ۱۲ سال، بالأخص در سنین ۴ تا ۹ سال (که دوره‌ی خطر محسوب می‌شود، و احتمال بزه‌دیدگی در این دوران بسیار بالا می‌باشد) را افزایش می‌دهند. می‌توان چنین تبیین کرد که یکی از دلایل تکوین این جرایم نسبت به بزه‌دیدگانی که سن پایین‌تری دارند، این است که با افزایش سن کودک، آن‌ها متوجه قبح رفتار ارتكابی شده و در برابر بزهکار مقاومت می‌کنند^۲. به علاوه نتیجه‌ی یک تحقیق نشان می‌دهد که فراوانی بیشتر تجاوزات جنسی بین پنج تا شش و نیم سالگی است و کودکان در سنین پیش دبستانی بیشتر در درون خانواده و در سنین بالاتر در بیرون از خانه مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند^۳. حال اگر بزه‌دیده دچار اختلال‌هایی در قوای دماغی مانند کم توانی ذهنی باشد، به سهولت می‌تواند مورد بزه جنسی توسط بزهکار واقع شود^۴. همچنین کاستا و مک کری^۵ (۱۹۸۵) با بهره‌گیری از تحلیل علمی دریافتند که می‌توان بین تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی، پنج بُعد از قبیل: *نوروزگرایی*^۶، *برون‌گرایی*^۷، *مقبولیت*^۸، *گشودگی*^۹ و *وظیفه‌شناسی*^{۱۰} را منظور کرد^{۱۱}.

در نوروزگرایی یعنی تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی، مانند ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت؛ افراد مستعد داشتن عقاید غیرمنطقی هستند و کمتر قادر به کنترل تکانش‌های خود بوده و لذا خیلی ضعیف‌تر با استرس کنار می‌آیند^{۱۲}. طی تحقیقات تانی^{۱۳}، چنین اشخاصی بزه‌دیدگی جنسی را بیشتر گزارش می‌دهند، زیرا از استراتژی‌هایی نظیر اجتناب و عدم تمرکز، انکار و خود انتقاد، بیشتر از استراتژی حل مسئله استفاده می‌کنند^{۱۴}. نتیجه‌ی تحقیقات نگارنده نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های شخصیتی قربانیان و آزارهای جنسی، ارتباط معناداری وجود دارد. از جمله اینکه خصوصیات غالب

۱. رابرت ال، همپتون، توماس پی، گالوت و همکاران؛ خشونت خانواده (پیشگیری و درمان)، ترجمه: کربلائی، داوود؛ میگونی، محمد، تهران، نشر آفرینش، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲. ابراهیمی قوام، صغری، بررسی میزان اضطراب و حرمت نفس در دانش‌آموزانی که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۱، ص ۲۵.

۳. معصومی، سمیه، بررسی و مقایسه شیوع آسیب‌پذیری جنسی و رابطه‌ی آن با مشکلات روانشناختی کودکان کار ۱۲-۷ سال تحت پوشش مراکز مردم نهاد و کودکان عادی جنوب شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۸، ص ۹.

۴. شریفی درامدی، پرویز، وکیلی، سمیرا؛ روان‌شناسی کودکان استثنایی، تهران، نشر آوای نور، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ص ۲۸۳.

5. Costa & McCrae

6. Neuroticism

7. Extraversion

8. Agreeableness

9. Openness

10. Conscientiousness

۱۱. مداحی، محمدابراهیم، صمدزاده، مونا، سبک‌های تربیتی و رگه‌های شخصیت، مجله اندیشه و رفتار، ش ۲۱، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۹.

۱۲. بهزادفر، فاطمه، بررسی عوامل فردی و اجتماعی در میزان بروز آزار جنسی زنان شاغل شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳.

13. Tani

۱۴. بهزادفر، فاطمه، پیشین، ص ۱۳۳.

چنین بزه‌دیدگانی، نگرش‌های منفی درباره‌ی خود، عزت نفس پایین، خود احترامی ضعیف، ناباوری و فقدان اعتماد بنفوس در رابطه با توانمندی‌های خود و یا حتی ضعف در برابر خواسته‌های مشروع یا نامشروع دیگران است که این امور بر تداوم و تکرار بزه‌دیدگی می‌انجامد. عزت نفس که در واقع ارزیابی فرد از خود را نشان می‌دهد و در عقاید فرد نسبت به توانمندی‌ها، شایستگی‌ها و موفقیت‌های خود انعکاس می‌یابد^۱، شرط ضروری برای حفظ استقلال افراد است و فقدان یا کمبود اعتماد به نفس، به راحتی می‌تواند افراد را تحت نفوذ و استثمار شخصیت‌های دیگر قرار دهد و همچنین رفتار این بزه‌دیدگان را وابسته و متأثر نسبت به آنانی کند که بیشتر اوقات خود را با آن‌ها می‌گذرانند. در واقع از آنجایی که این افراد تحت سلطه تحمل ترک شدن از سوی اشخاص با نفوذ زندگی خود را ندارند، برای حفظ آنها و پایایی روابطشان، به هر خواسته‌ای تن در می‌نهند و به نوعی زمینه‌ی بزه‌دیدگی‌های مستمر را به دست خودشان فراهم کنند. افراد برون‌گرا/ با خصیصه‌هایی چون گرمی، قاطعیت، هیجان‌خواهی (هیجان‌ات مثبت و جمع‌گرایی)، اشکال سازگارانه‌ی مقابله مانند جستجوی حمایت اجتماعی و تفکر مثبت را از خود نشان می‌دهند، درحالی‌که افرادی که نمره‌ی پایینی در برون‌گرایی دارند، به دلیل احساس خود ارزشی پایین، ممکن است روابط خود را تا مرزهای جنسی نامحدودی با بزهکار گسترش دهند تا حمایت لازم از او را به دست آورند. اشخاصی که خصیصه‌ی مقبولیت‌پذیری یا توافق‌پذیری دارند، نوع دوستی و همدردی آنان نسبت به دیگران به اشتیاقی جهت یاری رساندن به دیگران می‌انجامد و آنها را به این باور می‌رساند که دیگران نیز کمک‌کننده هستند^۲. هرچقدر میزان این مقبولیت بالاتر باشد، به دلیل ویژگی‌هایی مانند توجه به دیگران، عدم خودمحوری و اعتماد زیاد نسبت به دیگران، امکان بزه‌دیدگی جنسی نیز افزایش می‌یابد^۳. افراد گشوده یا انعطاف‌پذیر آماده‌ی پذیرش عقاید جدید هستند اما این امر به معنای غیر اصولی بودن آنها نیست. در مقابل گشودگی پایین به معنای تمایل به حفظ رفتارهای متعارف دیدگاه‌های خود و پاسخ‌های عاطفی محدودتر است. اما هر دوی این گروه‌ها به یک میزان در معرض خطر بزه‌دیدگی جنسی قرار دارند و خصیصه‌ی مذکور رابطه‌ی معناداری با آسیب‌پذیری در برابر جرایم جنسی ندارند^۴. در نهایت افراد وظیفه‌شناس، بیشتر به عنوان افراد محتاط، دقیق و منظم، با وجدان بالا، هدفمند و با اراده شناخته می‌شوند^۵. تحقیقات نشان می‌دهد که این اشخاص بیشتر قادرند که حمله بالقوه توسط مرتکب را دفع کنند و در مقابل چنانچه فرد وجدان‌پذیری پایین داشته باشد، احتمال بیشتری دارد که به شیوه‌های ضد اجتماعی رفتار کرده و عمل‌های انتقام‌جویانه و آزار و اذیت‌های بعدی توسط مرتکب را برانگیزد^۶.

استعدادهای عمومی یا بزه دیدگان مادرزادی

در هر جامعه عده‌ای وجود دارند که به کرات نقش بزه‌دیده را ایفا می‌کنند و عده‌ای نیز هستند که بدون توجه خاصی، مکرراً قربانی تصادفات و اتفاقات مجرمانه می‌گردند. به عبارت دیگر افرادی وجود دارند که آمادگی ناخودآگاه و استعداد قبلی برای مورد بزه واقع شدن دارند و به همین جهت و نه بواسطه وضعیت‌های خارجی یا گذرا، توجه بزهکاران را به خود جلب می‌کنند. این افراد، به تعبیر بهتر بزه‌دیدگان نهان یا بالقوه هستند. در واقع چنین مفهومی ناظر به افرادی است که دارای استعداد بالقوه و مخفی برای بزه‌دیده شدن می‌باشند و به بیان دیگر مجرمان را به سوی خود جلب می‌کنند. چنین بزه‌دیدگانی در خصوص

۱. حسینیان آقا ملکی، سید محمد، بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و عزت نفس دانش آموزان پسر متوسطه سال تحصیلی ۷۵-۷۶ شهرستان قائم‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۶، ص ۹.
 ۲. مداحی، محمدابراهیم، صمدزاده، مونا، همان، ص ۱۹.
 ۳. بهزادفر، فاطمه، پیشین، صص ۱۳۴-۱۳۶.
 ۴. همان، صص ۱۳۴-۱۳۵.
 ۵. مداحی، محمدابراهیم، صمدزاده، مونا، پیشین، ص ۱۹.
 ۶. بهزادفر، فاطمه، پیشین، صص ۹۵.

جرایم جنسی نسبت به محارم نیز وجود دارند، مانند افراد مازوخیسم^۱ یا خود تنبیه کن که دشمنان سرسخت خود به حساب می‌آیند. در حقیقت این اشخاص با رضایت ناخودآگاه خویش، زمینه بزه‌دیدگی خود را فراهم می‌نمایند. واضح است که انتخاب چنین بزه‌دیدگانی برای بزه‌کاران جرایم جنسی نسبت به محارم، کار پیچیده‌ای نیست و به همین دلیل افرادی که به هر دلیلی از خصوصیات مازوشیستی رنج می‌برند، به راحتی می‌توانند در معرض جرایم گوناگون، بر تمامیت جسمانی‌شان بالأخص تعرضات جنسی قرار گیرند یا افراد مبتلا به سندروم هابیل که نوعی احساس تقصیر و گناه دارند که تحمل آن برایشان مشکل است و برای تسکین این احساس، به وسایلی متوسل می‌شوند که برای خود مجازاتی تهیه کنند لذا از آنجائی که به صدمات وارده از طرف مجرم شدیداً نیاز دارند، به گونه ای داوطلبانه محرک اصلی جرم می‌شوند.

واکاوی واکنش‌های بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم

از آنجائی که نمی‌توان تأثیر متقابل بزه‌دیده را در ایجاد پدیده‌ی مجرمانه انکار کرد، می‌توان پاسخ‌های بزه‌دیدگان نسبت به وقوع جرم را در دو دسته‌ی کلی، تحت عناوین واکنش‌های منفعل و واکنش‌های فعال تبیین کرد:

واکنش‌های منفعل

واکنش‌های منفعل که در مقابل واکنش‌های فعال هستند، رفتارهایی شبیه موافقت بزه‌دیده با روند مجرمانه می‌باشند که به نوعی منجر به تسهیل روند بزه‌دیدگی می‌گردند. از آنجایی که این واکنش‌ها از حالت دفاعی حداقلی برخوردارند، این شائبه را ایجاد می‌کنند که بزه‌دیده به وقوع جرم تمایل دارد. بازخوردهایی چون "پذیرش و همراهی" و "تسلیم و سکوت"، در زمره واکنش‌های منفعل هستند که در یک نگاه کلی می‌توان مجموع این رفتارهای انفعالی را در عنوان کلی "سکوت" جای داد. در واقع بزه‌دیدگانی که وقوع افعال جنسی از سوی محارم را می‌پذیرند و به بیان بهتر با آن کنار می‌آیند، یا درک صحیحی از این اعمال ندارند و اساساً با جنایتی که در حال وقوع است، بیگانه هستند و یا اینکه چنین رفتارهایی را با محبت اشتباه می‌گیرند و بیش از آن که از نظر جنسی درگیر این اعمال شده باشند، از نظر عاطفی با بزه‌کار خود عجین می‌گردند. هر چند در موارد نادری نیز دیده شده است که فرد بزه‌دیده به دنبال غلیان و طغیان غرایز جنسی، از تحریکات و کنش‌های جنسی بزه‌کار لذت برده باشد. اگرچه چنین افرادی در خیل عظیم بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم بسیار انگشت شمارند و بی‌تردید از اختلالات جنسی، انحرافات جنسی و یا مشکلات شناختی رنج می‌برند.

اما غالباً زمانی که چنین تعرضاتی صورت می‌گیرد و خصوصی‌ترین حریم جسمی بزه‌دیدگان توسط نزدیک‌ترین و محرم‌ترین افراد زندگی شکسته می‌شود، واکنش رایج بزه‌دیدگان، به جای هرگونه افشاء‌گری و استمدادطلبی، در پیش گرفتن طریقت سکوت است. سکوتی سرد و طولانی و جانکاه که بیشتر به انتقام گرفتن از خویشتن شباهت دارد، تا تسهیل راه مجرمانه برای بزه‌کار. گاه این سکوت به دنبال نگاهی خوش‌بینانه در راستای بهبودی اوضاع و شرایط موجود است و گاه تنها به این دلیل محقق می‌شود که فرد هیچ‌گونه امکانی برای بهتر شدن اوضاع یا اصلاح رفتارهای بزه‌کار و یا حتی امکان خروج خود از وضعیت فعلی نمی‌بیند. این سکوت در خصوص بزه‌دیده‌ای که به دلیل عارضه‌های جسمانی و وجود ناتوانی، از او سوءاستفاده‌ی جنسی شده است به مراتب آثار جدی‌تری را دنبال می‌کند و با تجربه‌ی بزه‌دیدگی یک فرد سالم بسیار متفاوت است و لذا دلایل و جهات متفاوتی به خود می‌گیرد. به علاوه شکی نیست که آلام متحمل‌ی بزه‌دیده‌ی ناتوان که تجربه‌ی بزه در او به دلیل ناتوانی و نقص جسمانی صورت گرفته است، تشدید یافته‌تر از سایر بزه‌دیدگان می‌باشد.

1. Masochism

در واقع احساسات آغازین در بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم، شوک، ترس، خشم و احساس ناتوانی توأم با تحقیر است که بلافاصله پس از وقوع جرم بروز می‌کند.^۱ لذا پس از وقوع جرم، توطئه سکوت^۲ بزه‌دیده آغاز می‌شود. به ویژه در جایی که بزه‌دیده‌ای ناتوان بوده و آسیب‌پذیرتر از سایرین می‌باشد، که در چنین وضعیتی با امتناع از بیان جرایم وارده بر او، رنج‌هایی که متحمل شده و آثاری که در پی وقوع بزه برایش ایجاد گردیده است، در توطئه سکوتی شرکت می‌کند که بی‌شک احساس رنج عمیقی در پس آن نهان است. بزه‌دیدگان در جرایم جنسی واقع شده بر آن‌ها که توسط محارمشان اتفاق می‌افتد، بعد از بروز احساسات توأم با ترس و تردید و تحقیر، با آشفتگی^۳ درونی مواجه می‌گردند که حاصل از دست دادن اعتماد و احترام در آن‌ها می‌باشد و از آنجائی که ماهیت جرایم ارتكابی بر آن‌ها به گونه‌ای است که هرگز تصور و پیش‌فرضی از آن را نداشته‌اند، پس از وقوع جرم نیز نمی‌توانند مانند سایر بزه‌دیدگان (در جرایم جنسی که بیگانگان نسبت به آن‌ها مرتکب می‌شوند)، به عادی‌سازی^۴ و سازگاری برسند و لذا این وضعیت تا بازسازی و بهبودی^۵ چنان کند پیش می‌رود که گویی رهایی از مصیبت بزه‌دیدگی، برایشان مقدور نیست. شاید به همین خاطر است که در چنین جرایمی سکوت بزه‌دیدگان در مدت زمانی طولانی تداوم می‌یابد و گاه هرگز شکسته نخواهد شد. سکوت در برابر جنایت بزهکار با ماهیت تسلیم‌گونه‌ای که دارد، آزارگر را نسبت به تکرار بزه مضمهرتر نموده و امکان اطلاع دیگران از وقوع جرم را نیز منتفی می‌گرداند. اگر بزه‌دیده جرایم جنسی نسبت به محارم، ناتوان باشد، از آن جهت که نمی‌تواند عامل بزه‌دیدگی را به چیزی غیر از وضعیت جسمانی‌اش منتسب بداند، انگیزه و کوششی به گذر از مرحله‌ی آشفتگی به سازگاری و بازسازی شناختی^۶ نیز ندارد. به همین خاطر سرزنش‌ها و یا ترحم‌های نابجای اطرافیان به جای راهکارهای حمایتی و مساعدتی از یک سو و سوء استفاده از ضعف بزه‌دیده توسط بزهکار، از دیگر سو به تحمیل چنین توطئه‌ی سکوتی بر بزه‌دیده می‌انجامد.^۷

سکوت بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم، که شایع‌ترین و ماندگارترین واکنشی است که بر چنین آزاردیدگانی عارض می‌گردد، علاوه بر آن که کشف جرایم جنسی در حوزه‌ی محارم را با دشواری‌های فراوانی مواجه می‌کند، شکل و سیاق بزه‌دیدگی را چنان تغییر می‌دهد که تمییز مرز رضایتمندی و نارضایتی بزه‌دیده دشوار می‌گردد. سکوتی که نوعی تسلیم و فرمانبرداری را در بردارد و بی‌تردید الگوهای برده‌داری جنسی نسبت به افراد فرودست را به بدترین شکل ممکن آن هم در مقدس‌ترین هسته‌ی جامعه یعنی نهاد خانواده، متجلی می‌سازد. اگرچه این بازخوردهای انفعالی نسبت به بزهکار، از سوی بزه‌دیده بسیار رایج است و او را در حالت اغمای کلامی قرار می‌دهد، اما ناگوارتر از این رفتار بزه‌دیده، سکوتی است که اطرافیان او، پس از آگاهی از وقوع چنین جرایمی، در پیش می‌گیرند. رفتارهایی که بیشتر شبیه معاونت در جرم بزهکار می‌باشند و توطئه‌ی سکوتی را که بزه‌دیده علیه خودش اتخاذ کرده، تشدید می‌نمایند.

شرم از جنایت وارده، احساس گناه و ترس از مجرم قلمداد شدن و برچسب‌زنی مجرمانه، نگرانی از باب مجازات شدن فرد بزهکار که با بزه‌دیده دارای نسبت و پیوند خونی می‌باشد (حتی بزه‌دیده نسبت به او احساس وابستگی و تعلق خاطر دارد)، به همراه شوک ناشی از جرم واقع شده، می‌توانند از جمله دلایل سکوت بزه‌دیدگان باشند. ضمن آن‌که رفتارهای جنسی خفیف و در حد اعمال مقدماتی جنسی، احتمال سکوت بزه‌دیده را تقویت می‌کنند و تهدیدهای بزهکار نیز به تداوم سکوت و انصراف

۱. شایان، علی، عدالت برای بزه‌دیدگان، [ترجمه]، چاپ نخست، تهران: نشر سلسبیل، ۱۳۸۴، ص ۱۸.

2. Conspiracy of silence

3. Disorganization

4. Normalization

5. Recovery

6. Cognitive reconstructing

۷. سماواتی پیروز، امیر، ناتوانان بزه‌دیده در پرتو رهیافت‌های جرم‌شناسی و قوانین کیفری در حقوق ایران و انگلستان، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۴۹-۱۵۱.

بزه‌دیده از هر گونه اعتراضی دامن می‌زنند. لذا نتیجتاً می‌توان گفت که سکوت در مورد جرایم جنسی نسبت به محارم در شقوق مختلفی روی می‌دهد:

۱. بزه‌دیده برای ممانعت با بزه‌کار به هر اقدامی متوسل شده است اما نتوانسته او را از ادامه‌ی رفتار مجرمانه بازدارد و لذا راه تسلیم و سکوت را در پیش گرفته است.
۲. بزه‌دیده در شوک و ترس ناشی از واقعه‌ی مجرمانه بوده و یارای تصمیم‌گیری صحیح یا واکنش مناسب نسبت به اعمال مجرمانه را ندارد.
۳. بزه‌دیده از انگ‌زنی نسبت به خود می‌ترسد و لذا تصمیم می‌گیرد این رفتار مجرمانه را مانند رازی سر به مهر میان خود و آزارگر نگه دارد.
۴. بزه‌دیده قدرت مقابله با بزه‌کار و تهدیدهای او را ندارد و لذا سکوت را به شدیدتر شدن رفتار بزه‌کار با خود ترجیح می‌دهد.
۵. بزه‌دیده از حمایت برخوردار نیست و کسی را برای یاری رساندن به خود ندارد و یا اگر هم افرادی را داشته باشد، از اعتماد آن‌ها نسبت به خود و برخورد قاطع با مجرم برخوردار نمی‌باشد.
۶. بزه‌دیده ناتوان است و نمی‌تواند این حقیقت تلخ را که آزار جنسی وارده بر او به دلیل نقصان و کاستی‌های جسمی و ذاتی اوست، بپذیرد لذا با سکوت خود چنین رویدادی را انکار می‌کند تا از ترحم بیشتر اطرافیان نسبت به خود و یا انگاره‌های محکومانه‌ی آن‌ها بکاهد.
۷. بزه‌دیده در شرایطی از ناتوانی به سر می‌برد که یارای سخن گفتن را ندارد و چنانچه حرفی بزند، مورد پذیرش و باور سایرین واقع نمی‌شود.
۸. بزه‌دیده به دلیل آن‌که فرزند ناخواسته، نامشروع یا ضعیفی بوده، همواره مورد تحقیر و سرزنش افراد خانواده قرار دارد و افشای این اتفاق، وضعیت او را به شرایطی وخیم‌تر تنزل می‌دهد.

واکنش‌های فعال

غالباً بعد از تسلیم شدن‌ها و سکوت‌های طولانی بزه‌دیده، واکنش مقاومت^۱ روی می‌دهد. بزه‌دیده‌ای که دیگر نه می‌خواهد و نه می‌تواند اعمال تعرضات جنسی نسبت به خود را بپذیرد، با استفاده از استراتژی‌های مقاومتی مختلف تلاش می‌کند که بزه‌کار را از خود دور کند و یا او را از انجام بزه منصرف کند. اگرچه در اغلب موارد مقاومت جسمانی در برابر علف بزه‌کار، بسیار سخت و گاه ناممکن می‌باشد، اما این امکان نیز وجود دارد که استمدادطلبی‌های بزه‌دیده، سایرین را متوجه وقوع جنایت کند و بزه‌کار به ناچار از ادامه‌ی رفتار مجرمانه‌ی خود منصرف شده و یا آن را به زمان دیگری موکول کند. هرچند در مواردی که بزه‌کار جرم جنسی دارای انحرافات سادیستیکی است، این موضوع نتیجه‌ی معکوس داشته و هرچه مجنی‌علیه مقاومت بیشتری از خود نشان دهد، مجرم به رضایت جنسی بیشتری نائل خواهد آمد.

واکنش فعال دیگری که می‌توان برشمرد، اعتراض^۲ است. در واقع اعتراض زمانی محقق می‌شود که بزه‌دیده تصمیم می‌گیرد از راز سر به مهر تجاوز اعمال شده بر خود، پرده بردارد و به ادامه‌ی روند بزه‌دیدگی خود اعتراض کند. لذا همواره مقاومت بر اعتراض مقدم می‌باشد. چنین واکنش فعالی که برای تغییر در وضع موجود صورت می‌گیرد، با استفاده از روش‌های مختلفی مانند افشاء جرم نزد دوستان و همسالان، اعتراض به افراد خانواده و استفاده از عبارات کنایه‌آمیز و توجه برانگیز برای آگاهی

1. Resistance

2. Voice

آنان از وضع موجود و اعلام شکایت و پیگیری در مراجع قضایی محقق می‌شود. هرچقدر بزه‌دیده از ارتباطات قوی‌تری برخوردار باشد و پیوندهای محکمتری با اعضاء خانواده، همسالان، دوستان یا حتی همسایگان داشته باشد، این احتمال که وقوع بزه را به اطلاع آنها برساند و نسبت به شرایط فعلی که با آن درگیر است اعتراض کند، بیشتر خواهد بود و بالعکس هر چقدر فرد از انزوای اجتماعی بیشتری برخوردار باشد، احتمال حفظ این راز بیشتر خواهد شد.

در نهایت بزه‌دیده‌ای که واکنش‌های مقاومت و اعتراض او با شکست مواجه شده است، ناگزیر به راهکار خروج^۱ روی می‌آورد. خروج به معنای ترک موقعیت جرم‌زا است که در شقوق مختلف روی می‌دهد. در واقع یکی از رایج‌ترین تصمیمات افراد در مواجهه با وضعیت‌های پرفشاری که قادر به اصلاح و بهبود آن نیستند، فرار از آن موقعیت است. فرار از خانه و پناه آوردن به غریبه‌ها یا آشنایان، ازدواج اجباری و خودکشی یا اقدام به آن، از مهم‌ترین استراتژی‌های واکنش خروج هستند.

آثار بالینی جرایم جنسی نسبت به محارم و اختلالات همراه

سوءرفتار جنسی، همواره منجر به نشانه‌ی روانی خاصی نمی‌شود و واکنش بزه‌دیده و آسیب‌پذیری او نسبت به عوارض پایدار جنسی، به عوامل متعددی چون نوع سوءرفتار، طول مدت آن، سن بزه‌دیده، روابط کلی بزه‌دیده و بزهکار و دیگر مؤلفه‌ها، بستگی دارد. در واقع اثرات آزار جنسی بر روی بزه‌دیده^۲ در دو دسته کلی جای می‌گیرند و ذیل دو مقوله اثرات کوتاه مدت در کودکی و اثرات بلندمدت در بزرگسالی قابل طرح‌اند^۳. نشانه‌های اضطرابی برای بزه‌دیدگان جرایم جنسی و مشخصاً جرایم جنسی نسبت به محارم، گاهاً بلافاصله پس از ضربه روانی و یا چند ماه و حتی گاهی چندسال بعد از این ضربه‌ها ظاهر می‌شوند^۴. متأسفانه چنین ضربه‌ای چیزی نیست که به راحتی فراموش شود. لذا با هربار یادآوری، تمام آن احساسات منجر کننده و آکنده از خشم و رنج و نفرت بر بزه‌دیده حاکم می‌شوند و تمام تلاشی که برای فائق آمدن بر آن شرایط اسفبار و خشونت‌هایی که بر او اعمال شده به کار گرفته بود، بی‌اثر می‌شوند. حتی یادآوری بوها، صداها، یا تصاویر بزهکارانی که روزی در تصور او محرم‌ترین افراد بودند و امروزه بیگانه‌ترین و بی‌رحم‌ترین افراد هستند بسیار رنج‌آور خواهد بود. به هر روی هرچند نمی‌توان زمان دقیقی برای بروز این حالات تعیین کرد، اما در اکثر اوقات بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم، نشانه‌های خلقی و رفتاری مشخصی از خود بروز می‌دهند که به کمک آن‌ها می‌توان به وقوع جرایم پی برد و از استمرار و تکرار آن‌ها جلوگیری کرد. از آنجائی‌که بزه‌دیدگان جرایم جنسی به ویژه در حوزه‌ی محارم، نسبت به بزه‌دیدگی خود سکوت می‌کنند، شناخت این آثار می‌تواند طریقتی در جهت کشف جرایم، حمایت از بزه‌دیدگان و ممانعت از بزه‌دیدگی مجدد آن‌ها باشد. لذا توجه به این آثار و شناخت عوارض بزه‌دیدگی جرایم جنسی نسبت به محارم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. ذیلاً این نتایج را در قالب عارضه‌های روحی و جسمی تقسیم‌بندی می‌کنیم:

عوارض جسمی

در جرایم جنسی علیه محارم، بزهکار می‌تواند رفتار تعرض‌آمیز خود را به کرات نسبت به بزه‌دیده انجام دهد و علاوه بر آلامی که از نظر روحی بر او تحمیل می‌کند، نتایج جسمی شدید یا حتی غیرقابل جبرانی نیز برای او باقی بگذارد. آثاری که در برخی اوقات، اساساً زاده‌ی بیماری‌های مقاربتی بزهکار است و عمده دلیل عدم تمایل سایرین به ارتباط جنسی با بزهکار می‌باشند. در نتیجه بی‌شک بزه‌دیده‌ای آسیب‌پذیر و تا این اندازه در دسترس و قابل تسلط، بهترین گزینه برای اعمال رفتارهای

1. Exit

2. Comorbidity

3. Kendall-Tackett K A. Marshal R. Sexual Victimization of Children Thousand Oaks Sage, 1998; 2: 47-63.

4. Ford, J. D. (1999). Disorders of extreme Stress following war-zone military trauma: Associated features of posttraumatic stress disorder or comorbid but distinct syndromes? *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 67, 3-12.

مجرمانه خواهد بود. بهره‌کشی جنسی از کودکان کم‌سال می‌تواند به تأثیر سوء و آسیب‌های دائمی به اندام‌های تناسلی، مقعد، دهان، گلو و یا حتی مرگ بزه‌دیدگان منجر شود. دختران و کودکان دختر که توسط محارم خود مورد تجاوز واقع می‌گردند، به شدت در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های مقاربتی به ویژه باکتری مهلی تریکوموناس، کلامیدیا و ایدز قرار دارند.^۱ به علاوه ممکن است چنین بزه‌دیدگانی در جریان تجاوز به عنف به انواع بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز، سوزاک، سفلیس مبتلا شوند. دخترانی که تجاوز را تجربه کرده‌اند احتمالاً در آینده به درد مزمن لگن خاصره، نشانه‌های دفع تحریک و بدکاری جنسی نیز دچار می‌شوند ضمن آن‌که تجاوزهای جنسی محارم اغلب همراه با جرایم دیگر مانند تهدیدها و صدمه‌های جنسی صورت می‌گیرند و خود عوارض جسمی و روحی مضاعفی را دربردارند. نشانه‌های بدنی بعد از تجاوز شامل دل آشوبی (بیشتر به صورت تهوع) سردرد و درد عضلانی اسکلتی (در اثر تنش) آزرده‌گی واژن و درد رکتوم نیز در بیشتر از ۵٪ از قربانیان مشاهده می‌شوند. خاطره‌ی تجاوز همراه با آسیب ممکن است به بروز انواع بیماری‌های زنان منجر گردد و همچنین دخترانی که به سن بلوغ رسیده‌اند و قدرت باروری دارند، ممکن است در معرض بارداری‌های ناخواسته قرار گیرند که به دلیل ساختار مستبدانه‌ی قانون، گریزی از نتایج متعاقب آن وجود ندارد.

عوارض روحی

بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم اگرچه سعی کنند به زندگی عادی ادامه دهند و احساسات آسیب‌دیده‌ی خود را انکار کنند، به اختلالات هیجانی و روحی دچار می‌گردند. شرم، تحقیر، گیجی، سردرگمی، خشم، ترس، غضب، عدم‌امنیت، اضطراب، افسردگی، بی‌خوابی، کابوس، بی‌زاری از آمیزش جنسی، احساس بی‌حرمتی، کاهش اعتماد به نفس، فقدان کنترل بر بدن تا ماه‌ها یا سال‌ها بعد از تجاوز بر این بزه‌دیدگان حاکم می‌شوند. تداعی تعرضات جنسی و یادآوری ضعف خود، به برانگیختگی و تشدید احساسات رنج‌آور بر آن‌ها می‌انجامد و به دلیل آن‌که توسط محارم خود مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، ترس از تنها ماندن در خانه به ترسی شدید و مرضی (فوبیا) تبدیل می‌شود.

یکی از شایع‌ترین اختلالات روانپزشکی در این رابطه اختلال استرس پس از ضربه^۲ است. این اختلال وقتی بروز می‌کند که شخص متحمل یا مواجه با رویدادی است که خطر واقعی و تهدید به مرگ یا آسیب جسمانی را دربردارد و پاسخ شخص به آن واقعه، شامل ترس شدید، ناامیدی یا وحشت بوده است. علائم اصلی PTSD عبارت است از تجربه مجدد رویداد، اجتناب از افکار و موقعیت‌هایی که برای فرد یادآوری کننده بوده و بیش برانگیختگی می‌باشد.^۳ لنورت^۴ (۱۹۹۱) دو نوع ضربه را که موجب شکل‌گیری PTSD می‌شود، مشخص کرده است: ضربه نوع اول^۴ شامل یک حادثه ضربه‌آمیز، ناگهانی و غیر منتظره است. حالات مربوط به بی‌حسی و کرختی نوع اول در اینجا دیده می‌شود و از سویی دیگر ضربه نوع دوم^۵ که عبارت است از قرار گرفتن مکرر در معرض حوادث ضربه‌آمیزی که قابل پیش‌بینی هستند. آزار جسمی و جنسی مکرر و مداوم نمونه‌هایی از این‌گونه ضربه‌ها هستند.^۶ گزارش‌های برخی متخصصان نشان می‌دهند، قربانیان سوءاستفاده‌های جنسی و جسمی و ضرب و جرح‌ها، بزرگترین گروه مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه هستند.^۷ در حقیقت بعد از سوءرفتارهای جنسی و جسمی محارم نسبت به کودکان و زنان، غالب این بزه‌دیدگان دچار حالاتی چون افسردگی، اضطراب، رفتار پرخاشگرایانه، احساس

۱. محمودی قرائی، جواد، سوءاستفاده جنسی از کودکان، لرستان، انتشارات قطره، ۱۳۸۶، ص ۳۴.

2. Post-Traumatic Stress Disorder

3. American psychiatry Association (2000) DSM Text Revision APA Press.

4. Type I Trauma

5. Type II Trauma

6. Joseph S, Willams R, Yule W. Understanding PTSD; Newyork, wileypress

۷. گیتی قریشی، اشرف السادات، نیمرخ روانی دخترانی که مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، نشریه اندیشه و رفتار (روانشناسی کاربردی)، دوره ۱، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۳.

شرم و گناه، افکار بدبینانه، PTSD و افکار و رفتار خودکشی می‌شوند. به علاوه اختلال PTSD فی ذاته می‌تواند به اختلالات اضطرابی و اختلالات خلقی بیانجامد و در پی آن، آلام ناشی از بزه‌دیدگی با اختلالات ایجاد شده‌ی منتج از وقوع جرم، تشدید شود. لذا خشونت‌های جسمی و جنسی در خانواده، آثار روانی به مراتب وخیم‌تری نسبت به ارتکاب همین رفتارها از سوی بیگانگان و خارج از کانون خانواده دارند^۱.

به طور کلی باید اذعان داشت که میزان آسیب‌پذیری افراد در مواجهه با شرایط پرفشار ناشی از جرم متفاوت است و بزه‌دیدگان در برابر موقعیت‌های مشابه پاسخ‌های یکسانی نمی‌دهند. شرایط زندگی، روحیات آن‌ها، نوع ارتباطی که با بزهکار داشته‌اند، میزان اعتماد به نفس و باورپذیری نسبت به خودشان، مدت یا شدت بحران، درجه‌ی پیش‌بینی و احتمال وقوع جرم و بسیاری عوامل دیگر در کیفیت و کمیت عارضه‌ای که بر بزه‌دیده برجای می‌گذارند مؤثرند. اما اغلب این بزه‌دیدگان به لحاظ قرار گرفتن در چنین موقعیتی احساس سلامتی و پاکی نمی‌کنند و با نزدیکترین افراد خود، بیگانه‌وار زندگی می‌کنند، که این امر، به احساس انزوای آن‌ها دامن زده و منجر به بی‌اعتمادی، پرخاشگری و در نهایت احساس حقارت فرد می‌شود. بزه‌دیده‌ای که نمی‌تواند هویت خود را از افرادی که با او هم‌خون است منفک کند، همواره به دلیل خیانت صورت گرفته، ضمن سرزنش خود، بزهکار و تمام کسانی که از روی عمد یا غفلت برای نجات او از وضعیت موجود تلاشی نکردند، درگیر خواهد بود. به علاوه سندروم ضربه‌ی تجاوز^۲ نشان می‌دهد که حادثه‌ی واکنش بزه‌دیده‌ی تجاوز که احساس سردرگمی است، تا مدت مدیدی با بزه‌دیده خواهد بود. زنان پس از انجام عمل جنسی در تجاوز، خود را کالای صدمه‌دیده‌ای می‌بینند که از جامعه اخراج شده و در حیرت و درماندگی مانده‌اند^۳. در نهایت عکس‌العمل سایرین نیز این آلام را تشدید کرده و بزه‌دیدگی به دلیل انگ‌زنی خانواده و جامعه مضاعف خواهد شد.

نتیجه‌گیری

بی‌شک جرایم جنسی در حوزه‌ی محارم نوعی تخطی از اصول اخلاقی مشترک حاکم بر تمامی جوامع بشری است و خیانتی میرهن به اعتماد و اطمینانی است که در محیط امن خانواده باید بین اعضای آن حاکم باشد. آزار جنسی توسط محارم، فرآیندی مرحله به مرحله است که در اکثر مواقع به دلیل سکوت و ترس بزه‌دیده، به جسورتر شدن بزهکار منجر می‌شود. بزهکار جرایم جنسی نسبت به محارم، بعد از هر تعرض جنسی، نسبت به بزه‌دیده گستاخ‌تر شده و با جسارت و شدت بیشتری به ارتکاب رفتارهای جنسی مبادرت می‌کند. لذا این مداومت بزهکار، اعمال حمایت بیشتری نسبت به بزه‌دیدگان جرایم جنسی علیه محارم را می‌طلبد. بی‌شک خطری که چنین بزه‌دیده‌ای را تهدید می‌کند، بسیار بیشتر از جایی‌ست که بزهکاری خارج از کانون خانواده و محارم، مرتکب دست‌درازی‌های جنسی گردیده است. ضمن آن‌که در دسترس بودن و سکوت بزه‌دیدگان جرایم جنسی نسبت به محارم، به همراه شرایط سخت اثبات جرم می‌تواند برای بزهکار بستری امن فراهم کند تا به هر طریق و با هر استراتژی ممکن، به رفتارهای مجرمانه‌ی خود ادامه دهد. جرایم جنسی در حوزه‌ی محارم، غالباً در حالت اکراهی یا در حکم اکراهی و بدون رضایتمندی بزه‌دیده صورت می‌گیرند و لذا تدقیق پیرامون رفتارهای بزهکار و بزه‌دیده به لحاظ اهمیت مجازات جرایم جنسی و شدت آن‌ها، در ارتباط با حفظ مقتضیات جامعه و حقوق افراد، ضروری به نظر می‌رسد. به انضمام اینکه ثمره‌ی چنین تفکیکی می‌تواند به طبقه‌بندی مجازات‌ها و تسهیل در اجرایی شدن آن‌ها بیانجامد. این در حالی است که روال قانون‌گذاری ما در خصوص جرایم جنسی، سیاست صفر یا صد را اتخاذ کرده است و شدت مجازات (اعدام) غالباً به

۱. معظمی، شهلا، جرم‌شناسی خشونت خانگی و همسرکشی در سیستان و بلوچستان، فصلنامه‌ی پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳.

۲. Rape trauma syndrome

۳. گیتی قریشی، اشرف السادات، پیشین، ص ۲۷.

عدم اجرا یا اجرای ناکارآمد مجازات و عدم بازدارندگی برای مرتکب و سایرین می‌انجامد. در خاتمه شایسته است بدانیم و باور کنیم که نگفتن‌ها، پنهان کردن‌ها و یا غیر علن بودن‌ها، به معنای "نبودن‌ها" نیست و هیچ‌گونه سطحی‌نگری و چشم‌پوشی در این راهگذار پر مخاطره؛ از آسیب شناسی، تا جرم انگاری، سزادهی، حمایت‌های کیفری و غیرکیفری و اعمال تدابیر پیشگیرانه، شایسته نیست. لذا به زعم نگارنده صرف نظر از داده‌های محدودی که در خصوص جرایم جنسی نسبت به محارم در هاله‌ای از ابهام و انکار، ارائه می‌شوند، پژوهش در راستای کسب اطلاعاتی منسجم و هدفمند برای حمایت از سلامت جسم و روان نهاد مقدس خانواده که بستر رشد و شکوفایی آحاد ملت است، امری ضروری به نظر می‌رسد.

منابع فارسی

۱. ابراهیمی قوام، صغری، بررسی میزان اضطراب و حرمت نفس در دانش‌آموزانی که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۱.
۲. اسد سلطان، حمید، نقش و تاثیر بزه‌دیده در وقوع جرایم جنسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق، ۱۳۸۹.
۳. بازگیر، یدالله، قانون مجازات اسلامی در آینه آرا دیوان عالی کشور، حدود؛ جرایم خلاف اخلاق حسنه؛ تهران، نشر هستان؛ چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴. باوندپور، علیرضا، تأثیر عوامل روانشناختی در ارتکاب جرایم جنسی و تعیین واکنش نسبت به این جرایم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق، ۱۳۹۰.
۵. بهزادفر، فاطمه، بررسی عوامل فردی و اجتماعی در میزان بروز آزار جنسی زنان شاغل شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۹۰.
۶. حاجی تبار فیروزجائی، حسن، دلایل توجیهی حمایت افتراقی از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر در پرتو آموزه‌های علوم جنایی (با نگاهی به قوانین موضوعه ایران)، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۷. حسینیان آقا ملکی، سید محمد، بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و عزت نفس دانش‌آموزان پسر متوسطه سال تحصیلی ۷۵-۷۶ شهرستان قائم‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۷۶.
۸. رابرت ال، همپتون، توماس پی، گالوت و همکاران؛ خشونت خانواده (پیشگیری و درمان)، ترجمه: کربلائی، داوود؛ میگونی، محمد، تهران، نشر آفرینش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۹. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴.
۱۰. سفرچی تیل، زین العابدین، مطالعه قربانی شناختی قتل‌های سریالی پایتخت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۷.
۱۱. سلیمی، علی؛ داوری، محمد، جامعه‌شناسی کجروی، مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۱۲. سماواتی پیروز، امیر، ناتوانان بزه‌دیده در پرتو رهیافت‌های جرم‌شناسی و قوانین کیفری در حقوق ایران و انگلستان، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۸۸.
۱۳. سیگل، لاریجی، جرم‌شناسی، ترجمه یاشارسیف الهی، چاپ اول، مرکز مطالعات کاربردی ناجا، ۱۳۸۵.

۱۴. شایان، علی، عدالت برای بزه‌دیدگان، [ترجمه]، چاپ نخست، تهران، نشر سلسبیل، ۱۳۸۴.
۱۵. شریفی درآمدی، پرویز، وکیلی، سمیرا؛ روان‌شناسی کودکان استثنایی، تهران، نشر آوای نور، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۱۶. عباچی، مریم، رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴.
۱۷. کجباف، محمد باقر، روان‌شناسی رفتار جنسی در اندیشه دینی، چاپ اول، تهران، نشر روان، ۱۳۸۷.
۱۸. گیتی قریشی، اشرف السادات، نیمرخ روانی دخترانی که مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، نشریه اندیشه و رفتار (روانشناسی کاربردی)، دوره ۱، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۶.
۱۹. مالجو، محسن، تجاوز به محارم: زمینه‌ها، استراتژی‌های متجاوز و واکنش‌های بزه‌دیده، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۳۴، سال نهم، ۱۳۸۹.
۲۰. محمودی قرائی، جواد، سوءاستفاده جنسی از کودکان، لرستان، انتشارات قطره، ۱۳۸۶.
۲۱. مداحی، محمدابراهیم، صمدزاده، مونا، سبک‌های تربیتی و رگه‌های شخصیت، مجله اندیشه و رفتار، ش ۲۱، پاییز ۱۳۹۰.
۲۲. معصومی، سمیه، بررسی و مقایسه شیوع آسیب‌پذیری جنسی و رابطه‌ی آن با مشکلات روانشناختی کودکان کار ۱۲-۷ سال تحت پوشش مراکز مردم نهاد و کودکان عادی جنوب شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۸.
۲۳. معظمی، شهلا، جرم‌شناسی خشونت خانگی و همسرکشی در سیستان و بلوچستان، فصلنامه‌ی پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳.
۲۴. نجفی ابرنآبادی، علی حسین و دیگران، جرایم مانع (بازدارنده)، فصلنامه مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۳.
۲۵. هاشمی، منصوره‌السادات، تحلیل جرم شناختی جرایم خشونت‌آمیز (بررسی موردی ضرب و جرح عمدی منتهی به قتل در استان تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۸.

منابع لاتین

1. American psychiatry Association (2000) DSM Text Revision APA Press.
2. Ford, J. D. (1999). Disorders of extreme Stress following war-zone military trauma: Associated features of posttraumatic stress disorder or comorbid but distinct syndromes? *Journal of consulting and Clinical Psychology*, 67.
3. Henting. A.b (1987). "The criminal and his victims". See Ais .California commission on the statuses of women. Domestic violence fact sheet 1948.
4. Joseph S, Willams R, Yule W. Understanding PTSD; New York, Wiley press
5. Kendall-Tackett K A. Marshal R. Sexual Victimization of Children Thousand oaks sage, 1998; 2.
6. Zaibert, Leo, The ideal victim, Journal of school violence, vol .20, Canadian, 2008.

Abstract

Among the variety of sexual offenses and non-compensatory damages sought are numerous, those incestuous sexual offenses to occur for many reasons, including the realization of the victim in the safety of your family, are more important. Unfortunately, however, many problems such as being taboo, intangible and silent victims, possible to analyze and explain these issues to minimize serious. This article attempts to look pathological components that pave the way for the realization of the crime, or the factors that sustain and repeat criminal behavior sex of the victims make, identify and take action to limit and eliminate areas of development such crimes be effective . So the author, enjoying approaches to criminal science, to analyze the context of biological, psychological and personality victims of sexual crimes in the area of incest paid to this transition, regardless of the criminal Labeling and repressive penalties, areas to explore and prevention the development of sexual victimization is provided in the area of incest.

Key words: Victim, sexual crimes, incest, pathology